

فرم و محتوا در سینما



سوالی که یک هنرمند در ابتدای خلق یک اثر از خود می پرسد، این است که من چه می خواهم بگویم؟ و برای آنکه به بهترین شکل ممکن منظور خود را به مخاطب منتقل کنم باید از چه قلبی استفاده کنم؟ این سوالی است که تا انتهای تولید یک اثر هنری هنرمند را به چالش می کشاند، ممکن است بهتر بن قالب برای انتقال مفهومی که هنرمند در ذهنش دارد بک عکس باشد، و یا یک نقاشی، و بعد مواجه او با اینکه این نقاشی در چه سبکی باشد بهتر است؟ در سبک آپستره، کوبیسم و یا ... همین طور فیلم سازی که رسانه سینما را برای انتقال مفهوم مورد نظر خود انتخاب کرده است، در همان ابتدا با ساختارهای سبکی و ژانری مختلفی روبرو می شود، او باید به تمامی سبک ها و ساختارهای بیانی در سینما مسلط باشد، تا بتواند از تمامی امکانات سبکی و تکنیکی و ساختاری سینما برای هر چه بهتر بیان کردن مفهوم خود بهره ببرد. و این نقطه ورود هنرمند به بحث فرم و محتوا در اثر است.

فرم چیست؟ محتوا چیست؟ رابطه این دو عنصر با یکدیگر چگونه است؟ عنوان این گفتار است. این مطلب با بررسی اجمالی بر آرای حکمای اسلامی و فلاسفه غرب، بر مفهوم فرم و همچنین درک و شناخت فرم در هنر می پردازد و راههای تنوعی که منتهی به شناخت فرم می شود را به اختصار بیان می کند، و به کاربرد فرم در سینما و تفلوت آن با تکنیک می پردازد و در نهایت به روش های آزادسازی فرم از قیدوننده های معمول اشاره می کند.

مفهوم فرم در حکمت اسلامی

در حکمت اسلامی کلمه فرم به صورت تعبیر شده است؛ و ماده به شیء، بطور کلی؛ در حکمت اسلامی با تعبیر صورت و شیء به جای فرم و ماده طرف هستیم. امام صادق می فرماید: صورت شیء همان ذاتیات آن شیء است، «حقیقه شیء بصوره لایماده» چیستی شیء به صورت آن است نه به ماده اش.

حکمای اسلامی، انواع زیادی از صورت (فرم) را بر شمرده اند؛ صورت بلقوه، صورت بلقعل، صورت بزات، صورت بالعرض، و... که در نهایت ملاصدرا از حکمای صاحب نام اسلامی معتقد است؛ تمامی معنا و اطلاعاتی که برای صورت یا فرم گفته شده است بیلگر آن است که شیء و ذات او در وحدت هستند. «وما به یکون شیء بالقلع» شیء و ذات او در وحدت هستند.

مفهوم فرم در فلسفه غرب

ریشه کلمه فرم از یک اصطلاح قدیمی در یونان باستان به نام ایدوس گرفته شده است و به معنای فکر و یا ایده های است که در فضای خود، وجودی خاص می یابد و توسط ذهن درک می شود. هر چیز، متشکل از ماده و فرم است. ارسطو ماده را جسمیتی بلقوه می دانست که توسط فرم به تحقق می رسد، او معتقد است که این دو از هم جدا نیستند طوری که هر کدام بدون دیگری نمی توانند وجود داشته باشند. تفکر ارسطو بیش از فلاسفه دیگر درباره فرم و ماده بر نظریه پردازان دیگر تاثیر گذار بوده است. امانوئل کانت؛ فرم را خاصیتی از ذهن می داند که از تجربیات نشأت می گیرد، و به وسیله انسان بر اشیامادی تحمیل می شود. در مجموع فرم یک واژه باز از نظر معنایی است که مفهومی نسبی دارد و دارای مراتب است.

فرم در هنر

فرم، نوعی یا گونه یک اثر هنری کامل را مشخص می کند، که به تمام رسیده و به نمایش درآمده باشد. شکل زیر مجموعه فرم است، مفهوم فرم از شکل فراتر می رود و در ذهن مخاطب حرکت و تداوم می یابد. فرم از نظر زیباییشناسی عنصر محسوس رارانه می دهد، که ساختار آن را قابل درک می کند. مرتبه مهم در فرم یک اثر هنری؛ کیفیت ویژه آن در ترکیب بندی یا کمپوزیسیون عناصر تشکیل دهنده اثر است. فرم و محتوا دو مقوله جدا اما در هم تنیده اند و تنها

از نظر تئوری می توان آنها را از هم تفکیک کرد. فرم مفهومی ذهنی است، که برای ساخته شدن محتوایی دارد، که بتواند آن را نمایان کند. آدرنومی گوید: میزان موفقیت زیباشناختی، تابعی است از میزان موفقیت فرم در انتقال محتوا.

توضیح فرم و محتوا

فرض کنید که دوست شما یکی از نزدیکان خود را در حادثه ای از دست داده است، و شما به مراسم ختم دعوت شده اید، دیده است. شما برای حضور در این مراسم، برای آنکه با دوست خود همدردی کرده و به او تسلی دهید، چه لباسی می پوشید؟ و یا حتی جملاتی که قرار است هنگام دیدن به دوست خود بگویید چیست؟ مواردی از این دست که به بررسی آنها، در ذهن خود، می پردازید. شما در حال ساخت زوایای مختلف عمل خود هستید و این یعنی همان ساختار بندی عمل شما که به فرم نهایی منتج می شود، از همین نقطه فرم کار شما آغاز می شود؛ اما، به پایان نرسیده است و از این پس وارد مرحله اجرایی می گردد، حال، باید دلبسی بر اساس فیزیک اندامی خود و شرایط محیطی و تهیه و انتخاب کنید. اینجا است که شما درگیر تکنیک ماجرا شده اید و این تکنیک، تنها بخشی از فرم شما است، محتوا در این مثال، بحث تسلی و همدردی است.

فرم و محتوا در سینما

بحث فرم از منظر فلاسفه دارای تعابیر مختلف و پیچیده ای است که همه بحث بر انگیز و نکته من هستند اما با این وجود

هیچ الگویی معین و مشخصی درباره تعریف فرم در فلسفه وجود ندارد. در بحث، فرم هنر سینمایی نیز این مسئله وجود دارد، اما در نظر به اکثریت آراء، فرم به هر آن چیزی گفته می شود که در جهت چگونگی انتقال محتوای فیلم به مخاطب استفاده می شود. هر آنچه که یک فیلم را از فیلمی دیگر متمایز می کند و جهان یکتا و منحصر به فرد، فیلم را با آب و هوای خاص خود خلق می کند جز و فرم فیلم محسوب می شود. فرم امری است که در ساخت ناخود آگاهی هنرمند پر داخته شده، و با کمک ابزار، در ساخت خود آگاه هنرمند به اثر تبدیل می شود. تحلیل فرم پس از آفرینش فیلم به دست می آید آن هم نه از دید فیلمساز بلکه از دید مخاطبان اثر. فرم فیلم ولست به تجربه فیلم ساز است. هر فیلم فرم منحصر به فرد خود را دارد. هر گاه فرم به فر دیت و شخصیت برسد کارگردان می تواند ادعا کند فرم خاص به خودش را دارد. قالب و ساختار اصلی فیلم نیز زیر مجموعه ای از فرم محسوب می شوند. و همان چیزی است که فیلم را به یک اثر هنری تبدیل می کند. محتوا؛ به هر آن چیزی که هنرمند قصد دارد از طریق فرم خود به مخاطب ارائه کند گفته می شود. که شامل معنای حرف ها و درنمایه ها و گزاره های مطرح شده در فیلم می باشد.